



ورود عقلانیت در فرهنگ منوط به مهیا کردن پشتوانه بینشی آن است

یک محقق و پژوهشگر با بیان این که فعالیت‌های غیر مبتنی بر بینش کارهای عوامانه‌ای هستند، اظهار کرد: ورود عقلانیت در فرهنگ منوط به مهیا کردن پشتوانه بینشی آن است.

عقلانیت؛ محور سلوك معنوی

یک محقق و پژوهشگر با بیان این که فعالیت‌های غیر مبتنی بر بینش کارهای عوامانه‌ای هستند، اظهار کرد: ورود عقلانیت در فرهنگ منوط به مهیا کردن پشتوانه بینشی آن است.

حجت‌الاسلام والمسلمین امیرحسین شکیبافر، محقق و پژوهشگر علوم اسلامی حجت‌الاسلام والمسلمین امیرحسین شکیبافر، محقق و پژوهشگر علوم اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) اظهار کرد: شیوه قرآن در بررسی عقلانیت و تعیین عاقل این‌گونه است که عقلانیت را مرتبط دانستن ظاهر امور با باطن آنها می‌داند و کسی که این مسیر را طی کند، عاقل می‌داند.

این محقق و پژوهشگر کشورمان با بیان اینکه قرآن کریم نیز همین مسیر را می‌پیماید، بیان کرد: قرآن در بررسی حوادث در جریان جنگ احد علت شکست را تنها تحلیل نظامی نمی‌داند بلکه می‌گوید چون صبر و تقوا نداشتید به این آسیب مبتلا شدید؛ یعنی این تحلیل نظامی را به علل باطنی آن رجوع می‌دهد.

وی افزود: این راه که بتوانیم ظاهر مسائل را به باطن آنها برگردانیم، برای همه باز نیست و نیز در اینجا معیاری وجود دارد که راه را برای فریب و نیرنگ مسدود می‌کند؛ زیرا پس از این هر کسی می‌تواند ادعا کند که باطن این مسئله این‌گونه است و لذا باید به این روش عمل کرد.

حجت‌الاسلام شکیبافر با اشاره به مستدل بودن درک عقلانی تصریح کرد: کسی که می‌تواند باطن مسائل را درک کند زمانی جامعه درک او را به عنوان یک مسیر عقلانی می‌پذیرد که بتواند آنچه را که یافته است به زبان حکمت بیان کند و قرآن کریم در اینجا می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ﴾ با حکمت به راه پروردگارت دعوت کن. 171#»

این محقق و پژوهشگر علوم اسلامی عنوان کرد: با توجه به این آیه خداوند به پیامبر(ص) می‌گوید که اگر می‌خواهی برای مردم از مشاهدات بگویی باید مشاهدات را در مقام مفهوم نازل کنی، آن‌گاه با زبان دعوت به حکمت کنی. با این روش قرآن راه سوءاستفاده را بسته است.

امیرحسین شکیبافر:

فرهنگ عقلانی زمانی حاصل می‌شود که سازوکار فرهنگ ما متولد بینش و جهان بینی باشد. به عنوان مثال سینمایی که تولید شده مکتب لیبرال است با سینمایی که متولد مکتب اسلام و وحدانیت است متفاوت است. وی با توضیح این مطلب که وقتی قرآن عقلانیت را این‌گونه معرفی می‌کند آنگاه در مقابل آن عوام‌گری هم معلوم می‌شود، اظهار کرد: در مقابل عقلا، گروهی به نام عوام داریم که حضرت علی(ع) از آنها به 171#»همج الرعاء تعبیر می‌فرماید که اینها افرادی هستند که تفکرشان ریشه ندارد.

وی با اشاره به تفاوت میان عوام و عرف بیان کرد: قرآن بر اساس عرف سخن می‌گوید ولی عوامانه حرف نمی‌زند و عوام یعنی کسی که نه عالم است و نه متعلم، ولی قرآن که لسانش، لسان عرف است عوام را از عوام‌گری خارج می‌کند؛ به این صورت که معارفش را به زبان عرف نازل می‌کند تا این معارف نازل شده به صورت یک ریسمان عوام را از پوسته خود خارج کند.

این محقق و پژوهشگر کشورمان با بیان اینکه عوام کسی است که افکارش ریشه علمی و مستحکمی ندارد، گفت: امام صادق(ع) از این افراد به 171#& غناء؛ یعنی گرد و غبار معلق در هوا تعبیر می‌فرمایند؛ زیرا این افراد چون ریشه ندارند با کوچک‌ترین فتنه‌ای متحیر و سرگردان می‌شوند و دستخوش انحراف می‌شوند.

جاهل متنسك پیوسته خدمتگزاری عالم متهتك می‌کند

حجت‌الاسلام شکیبافر بیان کرد: گروهی از افراد عاقل هستند که اینها خود دارای بینش هستند، گروهی صاحب بینش نیستند اما آگاهانه در مسیر بینش دیگران حرکت می‌کنند که این با آزادی تفکر منافاتی ندارد؛ چون این پیروی به صورت آگاهانه انجام می‌گیرد و در مقابل این دو گروه، دو گروه وجود دارد که يك گروه کسانی هستند که دارای بینش انحرافی هستند که قرآن از آنان با 171#& فی قلوبهم زیغ؛ تعبیر می‌کند و گروه دیگر کسانی هستند که از ظن و گمان گروه قبل پیروی می‌کنند که اینان همان عوام هستند.

وی با اشاره به حکمت اول نهج‌البلاغه عنوان کرد: از آنجا که فتنه در حوادث متشابه اتفاق می‌افتد که گاهی افراد بزرگ هم دچار لغزش می‌شوند؛ لذا حضرت علی(ع) سفارش می‌کنند که یا عالم و یا متعلم باشید که حضرت با این سفارش خطر عالم متهتك و جاهل متنسك را دفع می‌کنند. جاهل متنسك دوست دارد که کار خوب انجام دهد اما چون عقل ندارد پیوسته خدمتگزاری عالم متهتك را می‌کند.

امیرحسین شکیبافر:

شیوه قرآن در بررسی عقلانیت و تعیین عاقل اینگونه است که عقلانیت این است که ظاهر امور را به باطن آنها مرتبط بدانیم و قرآن کسی را که این مسیر را طی کند عاقل می‌داند.

وی در بیان تأثیر عوام‌گری در فرهنگ اظهار کرد: عوام بودن فرهنگ یعنی اینکه فرهنگ بر بینش و جهان‌بینی استوار نباشد که در سایر حوزه‌ها هم به همین منوال است؛ یعنی کاری که براساس بینش نباشد کاری عوامانه است. عقلانیت وقتی در فرهنگ راه پیدا می‌کند که فرهنگ از پشتوانه بینش و جهان‌بینی برخوردار باشد.

حجت‌الاسلام شکیبافر افزود: برای عقلانی کردن فرهنگ علاوه بر بینش و جهان‌بینی به عنصر دیگری نیاز است که آن تناسب و سنخیت است؛ یعنی باید بین بینش و سازوکار ما سنخیت و تناسب وجود داشته باشد چراکه محال است از سازوکار عوامانه، نتیجه‌ای عاقلانه حاصل شود.

این محقق و پژوهشگر کشورمان با اشاره به اهمیت سنخیت و تناسب بین بینش و سازوکار فرهنگی، بیان کرد: فرهنگ عقلانی زمانی حاصل می‌شود که سازوکار فرهنگ ما متولد بینش و جهان‌بینی باشد. به عنوان مثال سینمایی که تولید شده مکتب لیبیرال است با سینمایی که متولد مکتب اسلام و وحدانیت است متفاوت است.